

5 اصل قرآنی حاکم بر زندگی پیامبر اعظم(ص)

هر انسانی در مراحل زندگی خویش، برای این که دچار حیرت و نشود، احتیاج به راهبر و الگوی شایسته دارد؛ انتخاب رسول خدا(ص) به عنوان الگو، به قدری ضرورت دارد که تأسی به او از واجبات شمرده شده است.



به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه **خبرگزاری فارس**، شناخت مقام و منزلت کسی که مأمور به تأسی و پیروی از او هستیم، سبب می‌شود تأسی کننده با اطمینان خاطر دل در گرو او ببندد و با یقین به این که پیروی از او سبب رستگاری و نجاتش خواهد شد سیره او را سر لوحه زندگی خود قرار دهد. زیباترین و بالاترین تضمین برای خوشبختی و سعادت پیروان و اقتدا کنندگان از پیامبر اعظم(ص) سفارشی و توصیه‌ای است که خداوند متعال در خصوص لزوم تبعیت از ایشان بیان می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می‌دارید و خدا را فراوان یاد می‌کنید، شخص رسول الله مقتدای پسندیده‌ای است». بهترین الگو برای شما نه تنها در این میدان که در تمام زندگی، شخص پیامبر(ص) است، روحیات عالی، استقامت و شکیبایی، هوشیاری و درایت و اخلاص و توجه به خدا و تسلط ایشان بر حوادث، و زانو نزدن در برابر سختی‌ها و مشکلات، هر کدام می‌تواند الگو و سرمشقی برای همه مسلمین باشد. این ناخدای بزرگ به هنگامی که سفینه‌اش گرفتار سخت‌ترین طوفان‌ها، می‌شود کمترین ضعف و سستی و دستپاچگی به خود راه نمی‌دهد، او هم ناخدا است هم لنگر مطمئن این کشتی، هم چراغ هدایت است، و هم مایه آرامش و راحت روح و جان سرنشینان.[2]

1- اخلاص محض و غرق در عبودیت و بندگی حق تعالی

از جمله اصول مسلم و قرآنی حاکم بر زندگی پیامبر اکرم(ص) اخلاص کامل در تمام مراحل زندگی و توجه ویژه به عبودیت و بندگی حق تعالی است. یکی از مشکلات و گناهان سختی که بسیاری از انسان‌ها گریبان گیر آن هستند تزلزل در بندگی و اخلاص در عبودیت است. کم نیستند کسانی که حتی عبادت‌هایشان رنگ و بوی شرک و گناه به خود گرفته است. این در حالی است که اسوه بندگی و زندگی برتر حضرت ختمی مرتبت تمام مراتب زندگی خود را رنگ و بوی الهی بخشیده بود: «قُلْ إِنِّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ؛ بگو: نماز من و قربانی من و زندگی من و مرگ من برای خدا آن پروردگار جهانیان است. او را شریکی نیست. به من چنین امر شده است، و من از نخستین مسلمانانم». کلمه «نسک» به معنای مطلق عبادت است، و لیکن بیشتر در ذبح و یا قربانی‌ای که به منظور تقرب به درگاه خدای سبحان ذبح می‌شود استعمال شده است. در این آیه شریفه خدای تعالی به رسول گرامی خود را دستور می‌دهد که به مردم بگوید: او خودش به آنچه که خداوند به سوی آن هدایتش کرده عمل می‌کند. و منظور از این اعلام این است که رسول خدا (ص) از تهمت دورتر شده و مردم بهتر دین حضرت را تلقی به قبول کنند، چون یکی از نشانه‌های راستگویی این است که گوینده به گفته‌های خود عمل نموده و گفتارش با کردارش مطابقت داشته باشد، لذا می‌فرماید: به مردم بگو که من نماز و تمامی عبادات و زندگی‌ام و جمیع شؤون آن از قبیل اعمال، اوصاف، فعل‌ها و ترک‌ها که مربوط به من است، و همچنین مرگم را با هر چه که از امور آن مربوط به من است- و آن امور پس از مرگ است که از زندگی دنیا سرچشمه می‌گیرد».[3]

2- نشانه رحمت و برکت برای جهانیان

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و نفرستادیم تو را، جز آنکه می‌خواستیم به مردم جهان رحمتی ارزانی داریم». رحمت به معنای رقت و دلسوزی و نیز به معنای عطوفت و مهربانی معرفی شده است. رحمت درجات و مراتبی دارد که از آن مراتب قابلیت و استعداد است و مرتبه دیگر، فعلیت؛ مثل باران رحمت الهی که تمام قطره‌های آن قابلیت و شایستگی دارد که منشأ خیرات و برکات شود ولی بروز آثار این رحمت تنها در سر زمینی است که آماده و مستعد باشد، بنابراین هم می‌توان گفت که هم «قطرات باران» رحمت است و هم صحیح است که گفته شود که این قطرات در سر زمین مستعد و آماده مایه رحمت و برکت است، در خصوص پیامبر اکرم(ص) می‌توان این چنین بیان داشت که ایشان بالقوه برای همه عالمیان مایه رحمت و برکت است، ولی این رحمت بالفعل مخصوص مؤمنان است.[4]

3- پیامبری مهربان و دلسوز به هدایت امت

از جمله اصول قرآنی و اخلاقی حاکم بر زندگی پیامبر اکرم(ص) رفتار شفقت گونه و مهربانانه با امت بود، حضرت رسول(ص) برای هدایت و راهنمایی امت خود و برای نجات ایشان از منجلاب گناه و بد رفتاری‌های اخلاقی از هیچ گونه تلاش و کشتی دریغ نفرمودند، ایشان حریص به هدایت امت خود بودند، و سختی‌های این راه را به جان خریده بودند از اینرو خداوند متعال در توصیف ایشان می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ؛ هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید. سخت به شما دلبسته است و با مؤمنان رؤوف و مهربان است».

4- پیامبر اکرم (ص) در اوج صداقت و راستی

پیامبر اکرم(ص) در اوج صداقت و رستی زندگی کردند به طوری که حتی دشمنان و مشرکان مکه نیز حضرت را به صداقت و امانت‌داری می‌شناختند، در توصیف ایشان می‌توان این چنین بیان داشت که رسول گرامی (ص) تمام مراحل و مراتب زندگی خود را با صداقت و راستی آمیخته بود از این رو قرآن کریم از زبان و در مدح ایشان می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِّنْ لَّدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا؛ بگو: ای پروردگار من، مرا به راستی و نیکویی داخل کن و به راستی و نیکویی بیرون بر، و مرا از جانب خود پیروزی و یاری عطا کن». صدق، بهترین وصف و حالت یک کار و یک شخص در آغاز و انجام آن است. چه بسا کارهایی که آغاز غیر صادقانه دارد و با قصد ریا، سمعه، فریب، برتری‌جویی و مانند آن شروع می‌شود، یا آغازی صادقانه دارد، ولی پایانی آمیخته به غرور، عجب، مت، حبط و سوء عاقبت پیدا می‌کند و برکات آن محو می‌شود. رمز شکست بسیاری از حرکات‌ها، نبود صداقت در آنها و قطع امداد الهی از آن است.[5]

5- ساده زیستی و پرهیز از تجمل و دنیا گرایی:

ساده زیستی و پرهیز از زرق و برق و تجملات دنیوی، یکی از بارزترین اصولی است که رسول خدا(ص) در زندگی خویش رعایت می‌فرمودند. اصولاً به هر اندازه روح و شخصیت انسان بزرگ باشد، به همان اندازه از تجملات و جلوه‌های دنیوی دوری می‌گزیند، شهید مطهری در این باره می‌گوید: «مقید شدن به زندگی متکفلانه، ناشی از کوچکی روح و نداشتن شخصیت است، یعنی بعضی افراد در خود قیودی قائل می‌شوند تا در نظر دیگران اثبات شخصیت کرده باشند»[6] در منابع روایی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است: «ای عایشه! دنیا برای محمد سزاوار نیست، ای عایشه خداوند تبارک و تعالی از پیامبران اولوالعزم راضی نمی‌شود مگر در صورت صبر در مکروهات دنیا و محبوبات آن و خداوند به من فرموده است که صبر کن؛ همچنان که پیامبران اولوالعزم صبر کرده‌اند...»[7]

پی‌نوشت:

- [1]. سیره رسول خدا(ص)، زهرا عبد اللهی: ص18.
- [2]. تفسیر نمونه، ج17، ص242.
- [3]. ترجمه المیزان، ج7، ص543.
- [4]. سیره رسول خدا(ص)، زهرا عبد اللهی، ص18: به نقل از تفسیر نمونه: ج8، ص17.
- [5]. تفسیر نور، ج7، ص107.
- [6]. شهید مطهری حکمت ها و اندرزها: ص103.
- [7]. ابی الشیخ، اخلاق النبی وادابه: ص 294.
- [8]. سیره رسول خدا(ص)، زهرا عبد اللهی، ص18: به نقل از تفسیر نور الثقلین: ج4، ص255.